



۱۲/۰۷/۲۰۱۳

پیر محمد بابر

## « انگلیس ها بخش راه حل نه بلکه بخش پرابلم افغانستان اند ».

فهمیم ها، عطا ها، «درستیزوال»، محقق، سیاف و دیگر خفاشان سیه روی و سیه دل که پای شان به لبه گور رسیده بود به وسیله همین امریکا دوباره بر ملت ما تحمیل شده و همین امریکا است که تا کنون از یکطرف کرزی را رئیس جمهور قانونی یاد می کند ولی از طرف دیگر با همین جنایتکاران لعین در برلین طرح تجزیه افغانستان را مطرح کرده و از ایشان به حیث عامل فشار بر کرزی و کسانی که سیاست های امریکا را مورد انتقاد قرار می دهند استفاده به عمل میاورد.

آنچه مربوط به معامله گری یا مصلحت گرایی های کرزی می شود من با در نظر داشت حوادث سه دهه گذشته و این واقعیت که او در زمان نهایت دشوار زمام امور را بدست گرفت باید بگویم که این معاملات و مصلحت ها همه بر اساس اقتضای زمان و شرایط کشور صورت گرفته و می گیرد.

وقتی او به ریاست اداره مؤقت بر اساس فیصله های بئن اول انتخاب گردید وطن به ویرانه ای مبدل گردیده بود و گروه هایی به نام جهادی وطن را مال شخصی شان ساخته بودند. اردو و تمام اساسات قوای مسلح و اقتصاد از بین رفته و گروه های به اصطلاح جهادی کشور را مانند مال شخصی بین خود تقسیم کرده بودند. همسایگان به نام مسلمان از هیچ مداخله بیشرمانه، غیر انسانی و غیر اسلامی بر علیه مردم و وطن ما دریغ نورزیده حتی تجزیه کشور را در سرلوحه مداخلات شان قرار داده بودند.

جنایتکاران موجود در چوکات دولت بوسیله او نه، بلکه بوسیله امریکایی ها و بر اساس معامله های که سی. آی. ای. با ایشان داشته و دارند دوباره به قدرت رسانیده شده و بر کرده های ملت مظلوم ما تحمیل شدند.

در یازده سال گذشته از یکسو سیاست دوگانه و کثیف امریکا زیر نام مبارزه بر علیه تروریسم و جهادی هاییکه هر کدام خواهان قدرت بیشتر در دولت بوده و می باشند و از طرف دیگر کشور تروریست پرور و مصنوعی پاکستان و غلامان شان هزار ها پرابلم برای او خلق کرده کشور را هدف وحشیانه ترین حملات قرار داده اند. ولی کرزی تسلیم نشد و تا جاییکه توانست برای به پاه ایستاده کردن دوباره اقتصاد و اردوی کشور کوشید و در برابر بمباری های بیرحمانه امریکا ایستادگی کرد. او گنت که تروریست ها در قراء و قصبات افغان ها نه بلکه در پاکستان اند و اگر امریکا در امر مبارزه بر علیه تروریسم صادق است پس باید مراکز و پناهگاه های تروریستان را در آنسوی سرحد تحمیلی دیورند نابود کنند.

او همچنان با مردانگی جلو سم پاشی مزارع افغان ها را گرفته با شجاعت اعلان کرد که این خارجی ها اند که کشت و زرع کوکنار و تجارت مواد مخدر را رونق می دهند نه دهاقین بیگناه ما. او حتی یک قدم جلو تر رفته طی کنفرانس مطبوعاتی گفت که « انگلیس ها بخش راه حل نه بلکه بخش پرابلم افغانستان اند ». این موضوع را بعد از آن ابراز کرد که ارقام منتشره از ازدیاد سرسام آور کشت کوکنار بعد از استقرار قوای انگلیس در هلمند حکایت میکرد و راپور هایی از انتقال افراد مسلح بوسیله هلیکوپتر های انگلیسی به شمال کشور منتشر گردید.

اگر کسی دیگر به جای او در یازده سال گذشته با این همه موانع، سد ها و مشکلات که برایش نیرو های شیطانی فوق الذکر خلق کرده اند می بود یا دیوانه می شد یا استعفی می داد و یا هم مانند سال های ۹۰ گاو جنگی های تنظیمی آغاز می گردید. ولی او رزمید و مقاومت کرد و تاجاییکه توانست کار کرد و کوشید.

بعضی ها میگویند که او باید مردانه استعفی می داد و بعضی هم می گویند که اگر کرزی در مقابل جنایتکاران مقاومت میکرد در حضور جامعه جهانی و قوای شان تکرار حوادث سال های ۹۰ امکان نداشت. ولی بیایید به یاد

د پائو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دلیکنی دلیکنی بنی پازوالی د لیکوال په غاره ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولئ

بیاوریم که در دهه ۹۰ بر اساس فیصله سازمان ملل متحد مانند فیصله سال ۲۰۰۱ در مورد افغانستان، قوای بین المللی از جمله امریکا وارد کشور سومالیا شده و تلاش کردند تا دولت جدیدی را به میان آورده و صلح و ثبات را در آنکشور تأمین کنند. ولی رهبر آنوقت سومالیا احمد فرح عیدید نتوانست بین گروه ها و تنظیم های مختلف آنکشور که از قبایل و اقوام مختلف سومالیا نمایندگی می کردند تفاهم ایجاد کند و جنگ های شدید باعث گردید تا قوای امریکایی که خود نیز مورد حملات شدید گروه های معین از جمله عیدید قرار گرفته بودند آنکشور را ترک کنند.

باور کنید که اگر مصلحت جویی ها و حتی معامله گری های زیرکانه کرزی نمی بود آدمک هایی به نام جهادی عین حالت سومالیا را در افغانستان تکرار کرده و جامعه جهانی شاید در همان سال اول یا دوم افغانستان را ترک می کردند.

البته آنچه در فوق نوشتم به هیچوجه به این معنی نیست که کرزی هیچ نوع اشتباه نکرده است. نخیر او اشتباه کرده و خواهد کرد ولی در کشوری با مشکلات فوق الذکر کی و کدام رهبر پیدا خواهد شد که اشتباه نکند؟ اما از این اقدامات کرزی چه درس باید گرفت؟

عکس العمل شدید و کاملاً منطقی او بعد از افتتاح دفتر امارت شیطنانی طالبان در قطر ثبوت یک واقعیت است که اگر ما مشترکاً عمل کنیم می توانیم حتی ابر قدرت جهانی امریکا را وادار به عقب نشینی از مواضع ضد افغانی آن سازیم. همانطوریکه شاغلی محترم بارز فرموده اند که «عکس العمل جمعی در افغانستان بیرق طالبان را در قطر سرنگون ساخت» پس نباید هیچ تردید داشت که با اقدام مشترک و مشورت واحد در تمام موارد بخصوص مسئله صدور تروریزم به افغانستان و مداخلات کشور تروریست و مصنوعی پاکستان در امور کشور ما که بزرگترین معضله برای ما به شمار می رود هم می توانیم جامعه جهانی از جمله امریکا را به تغییر موقف کنونی شان مجبور سازیم.

در غیر آن همان طوری که روس ها خلقی ها را بر ضد پرچمی ها و برعکس پرچمی ها را بر ضد خلقی ها استعمال کرده و تا آخر نگذاشتند خلقی ها و پرچمی های دارای یک ایدئولوژی و یک مرام و اساسنامه با هم به صورت واقعی وحدت کنند و در آخر طرفداران و طرف فروش کبیر کارملوف و چند جنرال خائن و بیوطن چون نبی عظیمی را بر ضد داکتر نجیب الله ولی در واقع برای ناکامی پروسه صلح ملل متحد استعمال کرده و اتحاد شان را با اجنت معلوم الحال شان مسعودوف و شورای نظار او برای ویرانی کامل وطن، نابودی قوای مسلح، اقتصاد و تمام اساسات کشور فراهم کردند، اینبار هرچند مقایسه آن زمان با حالا به دلایل معلوم تفاوت های خود را دارد ولی امریکا خواهد توانست ما را بر ضد یکدیگر برای یازده سال دیگر بدون هیچ درد سر استفاده کرده و تمام تقصیر را هم به گردن کرزی یا یک شخصیت دیگر افغان اندازد و خود در غندی خیر نشسته تماشا کنند.

پایان

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ